

# Content Analysis of the "Hadith of Raf" (Removal of Burden) on the Absence of Obligation to Derive Educational Principles

Abazar Kafi Mousavi<sup>1</sup>

Mahdieh Kashani<sup>2</sup>

1. Assistant Professor of Islamic Education, Farhangian University, Isfahan, Iran.

[a.kafi@cfu.ac.ir](mailto:a.kafi@cfu.ac.ir)

2. Assistant Professor of Islamic Education, Farhangian University, Isfahan, Iran.

[m.keshani@cfu.ac.ir](mailto:m.keshani@cfu.ac.ir)

DOI: 10.22034/iscw.2024.715925

*Original Research*

**Received:**

2024-05-21

**Accepted:**

2024-09-25

**Keywords:**

content analysis,  
Hadith of Raf'  
(Removal of  
Burden),  
Obligation or  
Religious Duty,  
educational  
principles

**Abstract:** God has sent His Prophet with a straightforward and easy religion and has not limited the scope of rulings and obligations to merely the lawful and the unlawful. Based on this model of tolerance and leniency that prevails in Islamic law, this study analyzes the nine categories mentioned in the hadith of "Raf" (removal of burden) where responsibility and obligation are lifted from individuals. These categories, established with a lenient and tolerant approach and considering the circumstances of the audience, can serve as a model for deriving educational principles associated with a lenient approach to education. To achieve the research findings, a qualitative content analysis method was employed using an inductive approach. The nine categories of the hadith of "Raf" were classified into seven groups, and two educational principles were extracted from each group, resulting in a total of fourteen lenient educational principles. These include: the principles of ignoring and covering up mistakes, the principles of apologizing and reminding of the discussion. Forgetting, the principles of forgiveness and removing obstacles from the discussion of what they are forced to do, the principles of prevention and education after mistakes from the discussion of what they do not know, the principles of empowerment and facilitating the task from the discussion of what is beyond their ability, the principles of solution thinking and safety from the discussion of what they are forced to do The principles of postponing punishment, punishment (giving insight) from discussing what they create out of jealousy, bad omens, and tempting thinking, of course, until they do not utter it.

## تحلیل محتوای گزاره‌های عدم تکلیف در «حدیث رفع» جهت استنباط اصول تربیتی

مهديه كشانی<sup>۲</sup>

اباذر کافی موسوی<sup>۱</sup>

۱. استادیار گروه آموزش معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، اصفهان، ایران. [a.kafi@cfu.ac.ir](mailto:a.kafi@cfu.ac.ir)

۲. استادیار گروه آموزش معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، اصفهان، ایران. [m.keshani@cfu.ac.ir](mailto:m.keshani@cfu.ac.ir)

DOI: 10.22034/iscw.2024.715925

**چکیده:** خداوند، پیامبرش را به شریعت و دینی که مستقیم و آسان است مبعوث نموده و دایره احکام و تکالیف را به امر حلال و حرام خلاصه ننموده است. بر اساس این الگوی تساهل و تسامح که در شریعت حکم فرماست، موضوعات نه‌گانه در حدیث رفع که مسئولیت و تکلیف آن از افراد برداشته شده، مورد تحلیل قرار گرفت. این موارد که با نگاه تساهل و تسامح و با در نظر گرفتن شرایط مخاطب وضع گردیده است می‌تواند الگویی جهت استنباط اصول تربیتی مرتبط با رویکرد سهل‌گیرانه در تربیت باشد. به همین منظور، برای دستیابی به یافته‌های پژوهش از روش تحلیل محتوای کیفی به شیوه‌ی استقرایی استفاده شد. موارد نه‌گانه حدیث رفع در قالب هفت دسته تقسیم‌بندی شد و از هر دسته دو اصل تربیتی استخراج گردید که جمعاً چهارده اصل تربیت تساهلی مورد استنباط قرار گرفت که شامل موارد زیر می‌باشد: اصول نادیده انگاری و خطاپوشی از بحث خطا، اصول عذرپذیری و یادآوری از بحث فراموشی، اصول بخشش و رفع موانع از بحث آنچه تحت اجبار انجام دهند، اصول پیشگیری و آموزش بعد از خطا از بحث آنچه نمی‌دانند، اصول توانمندسازی و تسهیل تکلیف از بحث آنچه از توانشان بیرون است، اصول چاره‌اندیشی و ایمن‌سازی از بحث آنچه بدان ناچار شوند، اصول تعویق تنبیه، تنبه (اعطای بینش) از بحث آنچه از حسادت و فال بد زدن و تفکر وسوسه‌آمیز در آفرینش کنند البته تا زمانی که بر زبان نیاورند.

صص:

۲۵۰-۲۳۳

مقاله:

علمی پژوهشی

دریافت:

۱۴۰۳/۰۴/۳۱

پذیرش:

۱۴۰۳/۰۶/۲۵

**کلیدواژه‌ها**

تحلیل محتوا،

حدیث رفع،

تکلیف، اصول

تربیتی

## ۱. مقدمه

پیامبر (ص) در حدیثی که معروف به حدیث رفع است؛ می‌فرماید: «رُفِعَ عَنِ امْتِي تِسْعَةُ الْخَطَا وَالنَّسِيَانُ وَ مَا أَكْرَهُوا عَلَيْهِ وَ مَا لَا يَطِيقُونَ وَ مَا لَا يَعْلَمُونَ وَ مَا اضْطُرُّوا إِلَيْهِ وَ الْحَسَدُ وَ الطَّيْرَةُ وَ التَّفَكُّرُ فِي الْوَسْوَسةِ فِي الْخَلْقِ مَا لَمْ يَنْطَلِقْ بِشَفَةِ»؛<sup>۱</sup> نه چیز از امت من برداشته شده است: خطا، فراموشی، آنچه بدان مجبور شوند، آنچه نمی‌دانند، آنچه از توانشان بیرون است، آنچه بدان ناچار شوند و حسادت، فال بد زدن و تفکر و سوسه‌آمیز در آفرینش تا زمانی که به زبان آورده نشود (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۲۸۰). علمای شیعه و سنی در مورد «حدیث رفع» مباحث مختلف فقهی را مطرح نموده‌اند. اغلب موارد، حدیث را در مورد رفع مواخذه و عقاب در برابر اعمال انجام شده در روایت می‌دانند نه در مورد جبران فعل؛ یعنی در مورد عمل فرد در موارد نه‌گانه، نبایستی مواخذه و عقابی وجود داشته باشد (غزالی، ۱۳۶۸: ج ۱، ص ۳۴۷؛ آمدی، ۱۴۰۲: ج ۲، ص ۲۹۴).

فارغ از نگاه فقهی به حدیث رفع، مبانی و گزاره‌های مطرح شده در این حدیث با نگاه غایت‌شناسانه تربیتی، می‌تواند مورد تحلیل محتوایی قرار گرفته و به‌عنوان الگویی جهت استنباط دلالت‌های تربیتی در بخش اصول تربیت تسهیلی (به معنای ایجاد فضای سهل نمودن عملکرد متربی) مورد استناد قرار گیرد. تسهیل و تیسیر در لغت به معنای آسان کردن و سهل‌گردانیدن است (معین، ۱۳۸۶، واژه سهل). آسان کردن، مشابه واژه رفع نمودن است که پیامبر (ص) در حدیث رفع بدان اشاره کرده‌اند. گرچه در این روایت به نه مورد اشاره شده است؛ اما به دلیل اینکه سه مورد آخر یک قید مشترک «تا زمانی که به زبان آورده نشده» دارند، در مقاله حاضر، خود قید به‌عنوان یک دسته مجزا انتخاب گردیده است.

تحلیل محتوا، تکنیکی پژوهشی برای استنباط تکرارپذیر و معتبر از داده‌ها در مورد متن آن‌هاست (کرپیندورف، ۱۳۸۶، ص ۲۵) به بیان دیگر، تحلیل محتوا یک تکنیک پژوهشی برای توصیف عینی و نظام‌مند از محتوای آشکار ارتباطات است (محمدی مهر، ۱۳۸۷، ص ۲۶ به نقل از: برلسون، ۱۹۵۲) در این رابطه، شیوه تحلیل محتوا در مقاله حاضر ضمن تمرکز بر الگوی تساهل و تسامح در تربیت، به استنباط اصول تربیتی از تحلیل محتوای مبانی تجویزی که در حدیث رفع اشاره شده است، پرداخته است. به عبارتی، نگاه به کلیدواژه‌های موجود در حدیث رفع با رویکرد تربیتی و از جنبه نگاه تسهیلی صورت گرفته و مورد تعبیر و تفسیر واقع شده است. این نوع نگاه به مبانی دینی می‌تواند باب جدیدی را برای الگوگیری از گزاره‌های درون دینی برای اهداف و عملکردهای تربیتی بگشاید و رابطه دین و تربیت را بر اساس الگوهای ساختاری مورد نیاز در تعلیم و تربیت جامعه، استحکام بخشد.

کلمه «اصل» به معنای گوناگون به کار می‌رود. این کلمه در لغت به معنای بُن، اساس، ریشه، بنیان، جوهر و مبنا می‌باشد (فراهیدی، ۱۴۱۰: ج ۷، ص ۱۵۶). در اصطلاح نیز معانی متفاوتی از این کلمه مد نظر است. می‌توان گفت که در هر قلمرویی از دانش، اصل معنایی متناسب با آن قلمرو دارد. در حوزه تعلیم و

تربیت، مقصود از اصول، قواعدی است که می‌توان آن را نوعی دستورالعمل کلی و راهنمای عملی تدابیر تربیتی دانست (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۸، ص ۵۵). بر همین اساس و با توجه به مبانی نظری و شناختی که در حدیث رفع و گزاره‌های مربوط به عدم تکلیف که در این حدیث وجود دارد، می‌توان اصولی را برای تربیت استنباط نمود که علاوه بر کمک نمودن به رویکرد تسهیلی در تربیت، می‌تواند به‌عنوان راهبردهای کلی در تعلیم و تربیت مورد استناد قرار گیرد.

باید توجه داشت دغدغه‌مندی در امر تربیت، اقتضای آن را دارد که پرسش‌های کلیدی در باب اصول و عملکردهای تربیتی؛ پاسخ داده شود. از باب نمونه، این پرسش که در کدام زمینه‌های تربیتی باید سخت‌گیری نمود و خطوط قرمز تعیین کرد و در کدام زمینه‌ها سهل‌گرفت و تسهیلی عمل کرد؟ از طرف دیگر، قابل اطمینان بودن پاسخ چنین سؤالاتی، منوط بر بنا نمودن پاسخ‌ها بر پایه‌های نظری محکم است. می‌توان اذعان داشت، یکی از محکم‌ترین مبانی نظری در راستای تبیین‌سازی مفاهیم تربیتی، منابع دینی و وحیانی است که در کنار مراجع علمی و تحقیقاتی و حتی مقدم بر آن‌ها می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. مقاله حاضر با دغدغه‌مندی در مورد این سؤال که در چه بخش‌هایی از تربیت باید رویکرد تسهیلی داشت؛ خواهان آن است که ابتدا مبانی نظری این پرسش را بر اساس محتوای روایی توصیف نموده و سپس اصول تربیتی مرتبط را تبیین و استنباط نماید. لذا می‌توان اهداف و سؤالات طرح پژوهشی حاضر را در قالب زیر مطرح نمود:

۱. الگوی سهل‌گیرانه در دین اشاره به چه رویکردی دارد و این الگو، چه دستاوردی برای حوزه تربیت به دنبال دارد؟
۲. حدیث رفع بر اساس رویکرد تساهل و تسامح، دارای چه دلالت‌هایی در بخش اصول تربیت تسهیلی می‌باشد؟

## ۲. پیشینه پژوهش

با بررسی عناوین پژوهش‌های انجام‌شده در رابطه با حدیث رفع، می‌توان آن‌ها را به‌صورت زیر (بر اساس فراوانی پژوهش‌های یافته‌شده) دسته‌بندی کرد:

- الف. بررسی حدیث رفع با نگاه سندی جهت استنباط صحت سند (به‌عنوان نمونه نک. جوان، ۱۴۰۲؛ عطارمنش، ۱۳۹۹؛ اعرایی، ۱۳۹۷؛ رحمان‌ستایش، ۱۳۹۶؛ صباغی ندوشن، ۱۳۹۶).
- ب. بررسی حدیث رفع با نگاه فقهی جهت استنباط احکام موضوعه مرتبط (به‌عنوان نمونه نک. سلامتیان، ۱۴۰۲؛ قنبری، ۱۴۰۰؛ حیدری، ۱۳۹۳).
- ج. بررسی حدیث رفع با نگاه تربیتی و تأثیر بر تربیت انسان (به‌عنوان نمونه نک. سالارزایی، ۱۳۹۶).

پژوهش حاضر، در دسته‌ی سوم قرار می‌گیرد که تنها شامل یک مورد است. لذا در ادامه، مختصراً به این مورد پرداخته می‌شود.

سالارزایی (۱۳۹۶) در مقاله‌ی «جایگاه حدیث رفع در پیشگیری از وسواس‌های فکری و رفتاری» بیان می‌دارد مددجستن از آموزه‌های وحیانی برای جلوگیری از وقوع بیماری وسواس چاره‌ساز خواهد بود. یافته پژوهش این شد که به‌کارگیری و تقید به فقرات نه‌گانه حدیث رفع به‌ویژه فقره آخر آن چنان تضمینی برای رفع آزار روحی انسان می‌دهد که به‌مانند یک مقاوم‌گر بسیار پیشرفته، خلجان‌های فکری آزاردهنده و شرم‌آور وجدانی را پیش از وسواسی شدن، از بین می‌برد.

همان‌طور که اشاره شد؛ مقاله‌ای یافت نشد که با مقاله حاضر مستقیماً ربط موضوعی داشته و به حدیث رفع با رویکرد تربیت‌محور نظر کرده باشد. بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد نوشتار حاضر در بخش‌های زیر رویکرد و نگاه نوآورانه داشته است: ۱- در مقالات و کتبی که به اصول تربیتی تسهیلی اشاره شده است، مبنای نظری اصول ذکر نگردیده و یا بر اساس مبانی نظری دیگری به غیر از رویکرد تربیت‌محور به حدیث رفع نگاه شده است؛ ۲- اصول تربیتی که در مقاله حاضر اشاره شده، در نگارش‌های دیگر، در ذیل یک مجموعه منسجم آورده نشده و ربط آن‌ها بر پایه نظری حاضر، مشخص نگردیده است؛ ۳- برخی اصول تربیتی اشاره شده بر مبنای حدیث رفع، در این مقاله جدید بوده و در قالب حاضر و در شکل موجود مطرح گردیده است (مانند ایمن‌سازی در شرایط ناچاری ذهنی و یا آموزش بعد از خطا)؛ ۴- نگاه تربیتی به حدیث رفع و با رویکرد تسهیلی تربیتی، نگاهی نو و کاربردی می‌باشد.

### ۳. روش پژوهش

در این پژوهش از روش تحلیل محتوای کیفی به شیوه‌ی استقرایی استفاده شد. مراحل شش‌گانه‌ی این روش و نحوه‌ی استفاده از آن، توسط محققان در ادامه بیان می‌شود.

**الف. تدوین پرسش‌های تحقیق:** این پرسش‌ها بر اساس پیش‌فرض‌های ذهنی محقق راجع به موضوع مورد نظر، صورت‌بندی می‌شوند (ادیب حاج باقری و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۲۳۷) و در پژوهش حاضر عبارت بودند از: الف) الگوی سهل‌گیرانه در دین اشاره به چه رویکردی دارد و این الگو، چه دستاوردی برای حوزه تربیت به دنبال دارد؟ ب) حدیث رفع بر اساس رویکرد تساهل و تسامح، دارای چه دلالت‌هایی در بخش اصول تربیت تسهیلی می‌باشد؟

**ب. تعیین واحد تحلیل:** واحد تحلیل، شخص یا چیزی است که تحلیل بر اساس آن انجام می‌گیرد. رایج‌ترین واحدی که پژوهشگران در تحلیل محتوای کیفی مورد استفاده قرار می‌دهند، مضمون است (مومنی‌راد و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۲۰۳-۲۰۴)؛ یعنی معنای خاص برگرفته از یک کلمه، جمله یا بند (معروفی و یوسف‌زاده، ۱۳۸۸، ص ۱۳۶). در این پژوهش نیز از مضمون به عنوان واحد تحلیل استفاده شد.

**ج. ایجاد نظام مقوله‌بندی:** مقوله‌های پژوهش حاضر بر اساس نظام استقرایی شکل گرفته است. در نظام استقرایی، ابتدا مقولات مشخص و بر اساس آن، داده‌ها، مرحله به مرحله از متن استخراج می‌شود (مایرینگ، ۲۰۱۴، ص ۸۱). در این پژوهش، موارد نه‌گانه در حدیث رفع به‌عنوان نظام مقوله‌بندی انتخاب شدند.

**د. نمونه‌گیری هدفمند:** در این نوع نمونه‌گیری، منابعی برای بررسی انتخاب می‌شوند که واجد بیش‌ترین اطلاعات، پیرامون موضوع مورد نظر هستند. این منابع را نمی‌توان از ابتدای پژوهش به‌طور کامل و دقیق مشخص کرد؛ زیرا انتخاب هرکدام به کفایت اطلاعاتی که از منابع بررسی شده به دست آمده است، بستگی دارد. به این ترتیب، نمونه‌گیری تا زمان اشباع نظری (زمانی که هیچ داده‌ی جدیدی به دست نیاید) ادامه می‌یابد (گال، بورگ و گال،<sup>۱</sup> ۱۳۹۵، ص ۳۸۹-۳۹۸). در این پژوهش، کتاب‌ها و مقالاتی انتخاب و بررسی شد که بیش‌ترین ارتباط را با موضوع حدیث رفع و تربیت تسهیلی داشتند.

**ه. تحلیل و استنباط از متن:** در این مرحله، پژوهشگر ادراکات خود از محتوای داده‌ها را با نگاهی عمیق بررسی می‌کند تا دلالت‌های ضمنی آن را استنباط کند (جنسن و جانکائوسکی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۲، ص ۱۸۴). در این پژوهش، داده‌های به‌دست‌آمده ذیل موارد نه‌گانه حدیث رفع، مورد تحلیل قرار گرفت و اصول مربوط به هر یک از موارد نه‌گانه استنباط شد. هم‌چنین بر اساس این تحلیل، ارتباط اصول با مبانی موجود در حدیث رفع مشخص شد.

**و. پاسخ به پرسش‌های تحقیق:** در پایان، بر اساس یافته‌های به‌دست‌آمده از پژوهش و تحلیل و استنباط‌های مبتنی بر آن، به سؤال‌های پژوهش پاسخ داده شد.

#### ۴. تبیین الگوی سهل‌گیرانه در دین و تعلیم و تربیت

اسلام دین سهل است نه دین سخت؛ اسلام برای تربیت آمده است نه برای محدودیت. این موضوع، دارای تأییدات قرآنی و روایی و تربیتی می‌باشد. تعبیراتی که با عناوین مختلف مورد اشاره قرار گرفته است و نزدیک‌ترین تعابیر در قالب دو اصطلاح تساهل و تسامح آورده شده است. تساهل از ریشه «سهل» و به معنای آسان‌گرفتن، به نرمی رفتار کردن، سهل‌گرفتن بر یکدیگر و سهل‌انگاری است. تسامح از ریشه «سمح» و به معنای مدارا کردن، فروگذار نمودن و کوتاه آمدن با گذشت و بزرگواری است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۴۸۹؛ دهخدا، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۶۶۸). معمولاً این دو واژه را مترادف هم به کار می‌برند اما با توجه به ریشه‌یابی لغوی، تسامح فرق ظریفی با تساهل دارد و آن این‌که: تسامح هر نوع سهل‌گرفتن و نرمی رفتار کردن نیست، بلکه سهل‌گرفتنی است که با گذشت و بزرگواری همراه است. معادل تسامح و تساهل در انگلیسی، Tolerance از ریشه‌ی *tolerance* به معنای تحمل کردن و اجازه دادن است. این واژه با مصدر *Tollo* که به معنای حمل کردن، بردن و اجازه‌دادن است، هم‌خانواده است؛ گویی کسی که تسامح می‌ورزد باری را تحمل می‌کند. از این‌رو برخی معتقدند نزدیک‌ترین معادل واژه «تولرانس»، «حلم» است؛ زیرا حلم به معنای تحمل امور ناگوار در عین قدرت و قوت است. در اصطلاح، تسامح و تساهل، عدم‌مداخله و ممانعت یا اجازه‌دادن از روی قصد و آگاهی نسبت به اعمال و عقایدی است که مورد پذیرش و پسند شخص نباشد. به تعبیر دیگر، نوعی بردباری است که انسان در برابر عقاید، رفتار و گفتار ناخوشایند دیگری

<sup>1</sup>. Gall, borg & Gall

<sup>2</sup>. Jensen & Jankowski

از خود نشان می‌دهد (رک. ژاندرون، ۱۳۷۸، ص ۱۷). در جدول زیر به برخی از مستندات رویکرد تسهیل و تأثیر آن در تربیت اشاره شده است. مبنای گزینش این دست آیات و روایات کلیدواژه‌هایی است که در متن آن‌ها به صورت مستقیم اشاره به امر تسهیل و سهولت و دوری از تکلف و زحمت دارد.

جدول ۱: مستندات سهل‌گیری در دین اسلام

مستندات اصل تسهیل در اسلام بر اساس منابع قرآنی، روایی و تربیتی		
استنادات قرآنی و روایی تربیتی	استنادات روایی	استنادات قرآنی
پیامبر(ص): «بسیار شایسته است والدین هرچه را فرزندشان به اندازه توانایی خویش انجام می‌دهد، بپذیرند و آنچه را انجام دادنش بر وی سنگین و غیرقابل تحمل است، از او نخواهند و او را به گناه و گردن‌کشی وادار نکنند و به او خشونت نورزند و با این شیوه درست تربیتی، کودکان خود را بر تربیت نیکو و انجام دادن کارهای ارزشمند و نیک یاری رسانند تا مورد لطف و رحمت حق تعالی قرار گیرند» (حرعاملی، ۱۳۸۶: ج ۲۱، ص ۴۸۱).	محبوب‌ترین دین شما نزد خداوند، حنیفیه آسان و سازگار است (حرعاملی، ۱۳۸۶: ج ۱، ص ۱۵۲).	خدا آسانی و راحت شما را می‌خواهد نه دشواری و مشقت شما را (البقرة/۱۸۵)
	پیامبر(ص): خداوند مرا برای رهبانیت نفرستاد بلکه مرا به دین مستقیم، آسان و سازگار فرستاد (کلینی، ۱۳۹۳: ج ۵: ۴۹۴).	و اگر خدا می‌خواست شما را به زحمت می‌انداخت (البقرة/۲۲۰).
	امام صادق(ع): خداوند در دین هیچ‌گونه حرجی قرار نداده است (کلینی، ۱۳۹۳: ج ۳، ص ۴).	هیچ‌کس جز به اندازه توانش تکلیف نمی‌شود (البقرة/۲۳۳).
پیامبر(ص) در پاسخ به چگونگی کمک به فرزند در نیکوکاری: «آنچه را که در توان اوست از او بپذیرد و آنچه را که برایش طاقت فرساست از او نخواهد و او را به تکلیف مافوق طاقتش و ندارد و او را دچار سرگشتگی و شرمندگی نسازد (کلینی، ۱۳۹۳: ج ۶، ص ۵۰)	امام صادق(ع): {خداوند...} و تکلیف‌های سنگین و زنجیره‌هایی را که به گردن آنان بود، برداشت (کلینی، ۱۳۹۳: ج ۲، ص ۱۷).	خدا هیچ‌کس را جز به اندازه توانایی‌اش تکلیف نمی‌کند (البقرة/۲۸۶).
	من به یهودیت یا نصرانیت مبعوث نشدم بلکه به حنیفیت آسان‌گیر مبعوث شده‌ام	خدا می‌خواهد کار بر شما آسان کند که انسان ضعیف خلق شده است (النساء/۲۸).

	(ابن حنبل، ۱۴۱۶ق: ج ۵، ص ۲۶۶).	
خداوند مرا مبعوث نکرد که با زور با مردم رفتار کنم بلکه برانگیخت تا معلم و آسان گیر برای آن‌ها باشم» (ابن حنبل، ۱۴۱۶ق: ج ۵، ص ۷۹).	خدا نمی‌خواهد بر شما تنگی و مشقت قرار دهد، بلکه می‌خواهد شما را پاک کند و نعمتش را بر شما تمام نماید(المائدة/۶).	و هرآینه قرآن را برای یادآوری و پند گرفتن آسان ساختیم، پس آیا پند گیرنده‌ای هست؟ (قمر/۱۷).
بر مردم آسان بگیرد و سخت نگیرد و نویددهنده باشید و مردم را فراری ندهید و در آنان نفرت ایجاد نکنید (بخاری، ۱۳۹۰، ص ۱۶۷).	هیچ کس را جز به اندازه توانش تکلیف نمی‌کنیم (الانعام/۱۵۲).	سپس راه را برای انسان آسان گردانید (عبس/۲۰).

شهید مطهری در باب رویکرد تسهیلی در شریعت بیان می‌دارد: «در این شریعت به حکم این که «سهله» است تکالیف دست و پاگیر و شاق و حرج‌آمیز وضع نشده است؛ و به حکم این که «سمحه» (باگذشت) است هر جا که انجام تکلیفی توأم با مضیقه و در تنگنا واقع شدن گردد، آن تکلیف ملغی می‌شود (مطهری، ۱۳۸۷: ج ۲، ص ۲۴۱). بر همین اساس، رویکرد تسهیلی برای تربیت از دو جهت «پیشگیری و درمان»، قابل توجه و تأثیر است. پیشگیری در جایی که مربی تشخیص می‌دهد عملی در طاقت و توان متری نیست و بر اساس این تشخیص از تکلیف بدان امتناع می‌کند و درمان در جایی که به حسب تفاوت‌های جسمی و روحی فردی و یا شرایط خاص محیطی، عملی برای فرد یا گروهی خاص، تکلف‌آور بوده و به همین جهت مربی گرچه آن را الزام نموده اما بر اساس تشخیص ثانویه، از درخواست و پیگیری آن صرف نظر می‌نماید. همچنین است تأثیر رویکرد تسهیلی در «تعیین حدود تکالیف» واجب و غیر واجب که سبب می‌شود محدوده تکالیف تربیتی واجب برای همگان، مرزی گسترده و عام نداشته باشد، بلکه در تعیین آن، افراد ضعیف لحاظ می‌شوند؛ اما در حلقه‌های بعدی تکالیف، بحث وجوب برداشته شده و به فراخور استعداد و تلاش افراد، این تکالیف بر طبق تمایل مخاطب، بیشتر می‌شود.

باید توجه داشت، گرچه بر اساس الگوی مطرح شده در جدول بالا، اثبات این مدعا که اسلام دین تسهیل و پرهیز از تکلف است، مشخص می‌گردد، اما هر امری به‌قاعده‌ی خود دارای چهارچوب و حدودی است که اگر شناخته نشود، به خطا رفتن متصور خواهد بود. پس برای فهم چهارچوب‌ها و اصول تساهل و تسامح در تربیت باید به مبانی آن در دین رجوع کرد و گر نه همان قدر که تکلف و سخت‌گیری می‌تواند برای تربیت آدمی مضر باشد، سهل‌گیری و تسامح بیجا می‌تواند پرتگاهی برای تربیت لابلالی باشد. به همین

منظور در پاسخ به پرسش دوم تحقیق، در قالب اصول منبعث از حدیث رفع به‌عنوان یکی از احادیث مبنایی که دارای گزاره‌های عدم تکلیف و تسهیل برای مکلف است، به چهارچوب‌های رویکرد تسهیل در تربیت اشاره می‌شود.

### ۵. اصول تربیت سهل‌گیرانه در تربیت بر مبنای حدیث رفع

محققان در پاسخ به پرسش دوم تحقیق، مبنای نظری موجود در حدیث رفع را ملاک قرار داده و بر اساس آن، اصول مرتبط با تربیت تسهیلی را مورد استنباط قرار داده‌اند. بر اساس هر مبنا، دو اصل استخراج گردیده که بیشترین ارتباط را با مبنای مورد نظر دارد. گرچه می‌توان اصول بیشتری را برای هر مبنا متصور شد؛ اما این اصول جهت الگوسازی ارائه گردیده و تنها به موارد چهارده‌گانه بسنده شده است که ربط مستقیمی با مبنای فوق دارد. در ادامه جدول مبنای حدیث رفع و اصول تربیتی آن، آورده شده است.

جدول ۲- اصول تسهیلی تربیتی بر مبنای حدیث رفع

موارد عدم تکلیف در حدیث رفع	اصول تسهیلی تربیت بر مبنای حدیث رفع
خطا	نادیده انگاری خطاپوشی
فراموشی	عذرپذیری یادآوری
اجبار به عمل	بخشش رفع موانع
عدم علم	پیشگیری آموزش بعد از خطا
فعل خارج از توان	توانمندسازی تسهیل تکلیف
عمل از روی ناچاری	چاره‌اندیشی ایمن‌سازی
تفکر و نیتی که آشکار نشده (حسادت/فال بد/ تفکر وسوسه‌انگیز)	تعویق تنبیه تنبه (اعطای بینش)

### ۵- ۱. مبنای اول: «عدم تکلیف به هنگام خطا»

خطا در لغت به معنای سهو و اشتباه است (فراهیدی، ۱۴۱۰: ج ۴، ص ۲۹۲؛ دهخدا، ۱۳۸۵، واژه خطا). خطا در بحث تربیت به معنای عملی است که متربی تعمدی در آن نداشته و یا خود از پیشامد رخ داده، پشیمان است. انسان در مسیر رشد و حرکت خود، مصون از خطا نیست. همان طور که در آیه‌ی تطهیر آمده «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (الأحزاب: ۳۳)؛ فقط اهل بیت پیامبر اسلام عصمت دارند. این حالت، ممکن است از روحیه کنجکاوی انسان سرچشمه بگیرد و یا اینکه آدمی تا چیزی را خود تجربه نکند، اطمینان به نتیجه آن ندارد؛ لذا دست به آزمون و خطا می‌زند. گاهی نیز روحیه لجبازی سبب بروز خطا می‌شود. آنچه در این بین مهم است، عکس‌العمل مری است. گاه برخورد قهری و تحکمی در برابر خطا، سبب سرکوب شدن برخی صفات نیک مانند شجاعت برای عمل و یا کنجکاوی در متربی می‌شود و گاه، ادامه مسیر در بُعدی خاص را سد می‌نماید. اما می‌توان همان گونه که پیامبر با رویکرد رفع و تسهیل با خطا برخورد می‌نمود، در امر تربیت نیز با رویکردهای تسهیلی همچون نادیده‌انگاری و خطاپوشی، واکنش نشان داد.

### ۵- ۱- ۱. اصول مرتبط با خطا: «نادیده‌انگاری و خطاپوشی»

اصول نادیده‌انگاری و خطاپوشی هر دو مرتبط با خطا است. تفاوت نادیده‌انگاری و خطاپوشی در بروز رفتاری مری است. در اولی مری طوری وانمود می‌کند که گویا خطای متربی را متوجه نشده است و در رویکرد خطاپوشی، بنا به مصالحی که بسته به نوع خطا دارد، با متربی در مورد موضوع تخطی شده صحبت نموده، اما اجازه نمی‌دهد این تخطی در نگاه دیگران آشکار گردد. می‌توان گفت در جایی که احتمال بروز مجدد خطا وجود ندارد و خود متربی پی به خطای خود برده، باید از رویکرد اول استفاده نمود و در غیر این صورت از رویکرد دوم. باید اذعان داشت در جایی که مری اظهار کشف خطای متربی را می‌نماید؛ زشتی عمل در نزد عمل‌کننده از بین رفته و بار تربیتی منفی به همراه دارد. در حقیقت، این گونه عمل نمودن، ضد تربیت است نه تربیت.

### ۵- ۲. مبنای دوم: «عدم تکلیف به هنگام فراموشی»

دومین امری که پیامبر(ص) تکلیف آن را، از امت خود برداشته است، نسیان و فراموشی است. نسیان، خاصیت انسان است. همان گونه که در قرآن؛ ۳۷ مورد از ۴۵ مورد واژه نسیان در مورد انسان بکار برده شده است. لذا نمی‌توان نگاه جرم‌انگارانه به آن داشت. گرچه بین فراموش کردن و خود را به فراموشی زدن، تفاوت هست؛ اما مری باید ادعای فراموشی را از جانب متربی، به مصداق آیه‌ی «اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنْ

الظَّنَّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ» (الحجرات: ۱۲)؛ (از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید، چراکه بعضی از گمان‌ها گناه است) بپذیرد و موارد تربیتی را به او متذکر شود. در نظریه‌های جدید یادگیری، فرایند فراموشی و یادآوری به‌عنوان رویکرد برتر نسبت به فرایند یادگیری و ذخیره‌سازی شناخته می‌شود. بر این اساس، هرچقدر ما موضوعی را بیشتر فراموش کرده باشیم، یادآوری و تمرین دوباره‌ی آن باعث می‌شود که آن موضوع با کیفیت بهتری در ذهنمان ثبت شود. این موضوع، یکی از ایده‌هایی است که در یادگیری به شیوه لایه‌ای مورد توجه می‌باشد (رحیمی‌مند و عباس پور، ۱۳۹۴).

### ۵- ۲- ۱. اصول مرتبط با نسیان: «عذرپذیری و یادآوری»:

پذیرش عذر اولین اصل تسهیلی در برخورد با فراموش کار است. عذرپذیری یعنی عدم مواخذه بابت انجام عمل؛ اما عذرپذیری دائمی در برابر فراموشی، صفت بهانه‌جویی را در مرتبه ایجاد می‌کند. از همین رو در کنار این اصل تسهیلی، باید اصلی دیگر به نام یادآوری به کار برده شود تا عذرآوری مرتبه‌ی، کاهش یابد و به سمت انجام وظیفه و تکلیف تربیتی سوق یابد. اصل یادآوری به معنای گوشزد نمودن برای فعل تربیتی، قبل، حین و بعد از آن است. نتیجه یادآوری قبل و حین عمل تربیتی، انجام و یا ترک فعل است؛ اما یادآوری بعد از فراموش نمودن مرتبه‌ی، سبب می‌شود که برای دفعات بعد و یا دستورات بعد، کمتر دچار فراموشی گردد و یا عذر فراموشی آورد. هرچه هست، مرتبه‌ی نباید نسبت به عذر فراموشی مرتبه‌ی با حسن ظن بنگرد و آن را بر اساس رعایت دو اصل عذرپذیری و یادآوری نسبت به مرتبه‌ی خود نشان دهد. کما اینکه اعمال اصل دوم در کنار اصل اول سبب می‌شود مرتبه‌ی کمتر دچار فراموشی شده و یا عذر فراموشی بیاورد. البته شیوه یادآوری نیز مهم بوده و گاه یادآوری مکرر یا مستقیم سبب دل‌زدگی یا لجاجت در مرتبه‌ی می‌شود. لذا رعایت اعتدال و تنوع در شیوه تذکر، شرط اثرگذاری آن می‌باشد.

### ۵- ۳. مبنای سوم: «عدم تکلیف به هنگام اجبار به عمل»

عمل در تحت اجبار، سومین امری که پیامبر(ص) از رفع آن برای امت خود سخن گفته‌است. از آن جا که اساساً انسان مختار آفریده شده است، کمتر پیش می‌آید که تحت اجبار عملی را انجام دهد، اما باید کوچک‌ترین مسائل نیز از منظر جریان تعلیم و تربیت مغفول نماند. اجبار در جریان تربیت، بیشتر در شرایط تعارض بین محیط‌های تربیت و یا متریان امر تربیت، برای مرتبه‌ی اتفاق می‌افتد. هرچه هست در این تعریف، مرتبه‌ی قصد انجام عمل نادرست را نداشته و خارج از اراده و یا خواست خود، مجبور به انجام و یا ترک فعل شده است. به هر جهت بایسته آن است که در این مورد مرتبه‌ی از دو اصل تسهیلی بخشش و رفع موانع، کمک بگیرد.

### ۵-۳-۱. اصول مرتبط با اجبار به عمل: «بخشش و رفع موانع»

مری به هنگام مواجهه با عملی که از سر اجبار انجام شده، در وهله اول باید اصل تسهیلی بخشش را مد نظر گیرد و سپس سعی نماید موانع بیرونی عمل تربیتی را رفع نماید و یا به متری کمک کند تا خود این موانع را هموار کند. مری باید در استفاده از اصول بخشش و رفع موانع، میزان اجبار به عمل را بسنجد. گاه متری بدون هیچ‌گونه مقاومتی در برابر اوامر نامطلوب تن به عمل می‌دهد و در این مورد لازم است از جانب مری علاوه بر اصول یادشده، در تقویت شناخت و اراده متری نیز اقدامی صورت پذیرد. گاه هم عواملی انسانی در پیرامون متری وجود دارد که سبب رفتار تحت اجبار متری شده و در این موارد مداخله مری یا مراجع قضایی برای رفع مشکل لازم می‌نماید.

### ۵-۴. مبنای چهارم: «عدم تکلیف به هنگام عدم علم»

در اولین حکم تمامی رساله‌های احکام، آورده شده است که همه افراد باید نسبت به احکام مبتلابه خود، کسب اطلاع کنند؛ اما از جهت دیگر، اگر فرد مکلف در عمل به حکم، علم نداشت، تکلیف از او ساقط می‌شود. در امر تربیت نیز، همین‌گونه است. مری یا متری وظیفه دارند در جریان تربیت، آموزش‌ها و اطلاعات لازم را انتقال و دریافت کنند. اما گستره‌ی علم و عمل تربیتی آن‌قدر وسیع است که نمی‌توان توقع داشت متری در مراحل مختلف، عالمانه پیش رود. از همین رو بایستی دو اصل تسهیلی را اتخاذ نمود تا متری در روند تربیت به‌درستی واکنش نشان دهد.

### ۵-۴-۱. اصول مرتبط با عدم علم: «پیشگیری و آموزش بعد از خطا»

مری با تجربه، کسی است که بسته به تشخیص خود و همچنین سن و موقعیت تربیتی، آموزش‌های لازم را جهت پیشگیری از عمل بدون علم، انجام دهد؛ اما اگر همچنان خطایی از روی ناآگاهی رخ داد، جهت جبران کاستی‌های پیشین باید فرایند آموزش پس از خطا شکل بگیرد. مثلاً در زمینه دوره بلوغ، اغلب والدین و مربیان با این مشکل مواجه می‌شوند که متری به جهت نداشتن اطلاعات لازم در زمان مقتضی، دچار اضطراب و اشتباهاتی می‌شود که بعضاً غیرقابل جبران است. عدم آگاهی نوجوان از مسائل خاص، نباید سرمنشأ تنش‌های بین مری و والد، با متری شود. این مری است که می‌بایست در زمان مناسب آگاهی بخشی لازم برای دوران خاص را به متری داشته باشد. و اگر در این امر کوتاهی نمود، مواخذه نمودن بسی اشتباه‌تر است. اصل آموزش بعد از خطا، جهت جبران این کوتاهی، ضروری می‌نماید.

### ۵-۵. مبنای پنجم: «عدم تکلیف به هنگام عدم توان»

آیه «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» (البقرة: ۲۸۶)، نشان می‌دهد که برترین مربیان و رب همه موجودات، مخلوق خود و تمام ابعاد وجودی او را می‌شناسند و بر طبق آن، امر به عمل و ترک آن می‌نماید. پس قدم

اولیه در الگوی «تربیت بر اساس توانایی»، شناسایی ابعاد و مراحل رشد متربی و توانایی‌های مربوط به هر دوره و یا هر فرد می‌باشد. به عبارتی، جریان تربیت می‌بایست با آگاهی و شناخت روشنی از توانمندی‌های جنسیتی و مراحل مربوط به رشد، همراه باشد و متناسب با الگوهای عام تربیت، از مخاطب تربیت توقع داشته و تکلیف بخواهد. با این وجود باید به این نکته توجه داشته که هر فرد دارای جهان‌زیست خاص خود است، لذا با وجود الگوهای عام رشدی و تربیتی، نباید ویژگی‌های منحصر به فرد افراد نادیده انگاشته شود. نتیجه اینکه توانایی‌های عام و توانایی‌های خاص افراد در اعمال تکالیف باید مد توجه ملاحظه قرار گیرد و داشتن توقع یکسان از یک گروه متربیان، خطایی است که اغلب جریان تعلیم و تربیت و معلمان، بدان دچار بوده‌اند. اما اگر جریان تربیت دچار خطا گردید و یا اگر به این اصل توجه نشود که هر فرد توانایی‌ها و قابلیت‌های منحصربه‌فردی دارد، باید اصول تسهیلی، جایگزین گردد تا تکلف در تربیت اتفاق نیفتد.

#### ۵-۵-۱. اصول مرتبط با عدم توانایی: «توانمندسازی و تسهیل تکلیف»

اصل مقدماتی و اولیه در زمینه‌ی عدم انجام تکلیف به علت عدم توانایی، توانمندسازی متربی در حد استانداردها و قابلیت‌ها است. نمی‌توان به بهانه تسهیل در تکلیف و یا سهولت در تربیت، جریان رشد را کند نمود و یا از ابعادی خاص در تربیت منصرف شد. آنچه مهم است، نفی تحمیل و دشواری است؛ اما گرفتن دست متربی و یا دادن انگیزه و یا ایجاد حرکت اولیه، خود از دسته عواملی است که متربی را قادر می‌سازد عمل تربیتی را با راحتی بیشتری انجام دهد. به عبارتی، در بسیاری از موارد عدم توانایی در متربی نه به‌عنوان امر اولیه و ذاتی در او بوده بلکه به‌عنوان امر ثانویه و محیطی بر او عارض شده است. این مورد که اغلب به سبب ضعف در استانداردهای محیط تربیتی پیشین می‌باشد از طریق توانمندسازی متربی در محیط تربیتی فعلی، می‌تواند جبران شود. حال اگر در اقدام اول و یا با تشخیص شرایط، چنین امری قابل تحقق نبود، باید تکلیف را تسهیل نمود و آن را دست‌کاری کرد. تسهیل تکلیف می‌تواند از طریق مرحله‌ای نمودن تکالیف یا خرد نمودن آن صورت پذیرد. شاید هم، مربی در مرحله‌ای از تربیت به این نتیجه دست یابد که برخی تکالیف تربیتی متناسب با برخی متربیان نیست و معنای تسهیل تکلیف به جریان حذف موارد دشوار تکلیف، تبدیل گردد.

#### ۵-۶. مبنای ششم: «عدم تکلیف به هنگام ناچاری»

انجام عمل از سر ناچاری، ششمین امری است که از امت پیامبر (ص) برداشته شده است. اجبار با ناچاری تفاوت دارد. اولی ناشی از عوامل بیرونی است و دومی ناشی از عوامل درونی. در اولی افراد انسانی فرد را مجبور به عمل می‌نمایند، اما در دومی شرایط محیطی سبب می‌شود، فرد دست به عملی خطا بزند. در آیه «فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَ لَا عَادٍ فَلَا اِثْمَ عَلَيْهِ» (البقرة: ۱۷۳) نیز تصریح نموده بر اینکه فرد گرسنه که

دسترسی به غذا ندارد، می‌تواند گوشت حرام بخورد. این اکراه و ناچاری می‌تواند گاه یقینی و گاه ظنی متربی باشد؛ یعنی واقعاً راه‌های دیگری نیز وجود داشته است اما متربی به‌صرف اولین راه و انتخاب آن، اقدام به عمل می‌نماید. اینجاست که مربی در جریان تربیت، بسته به نوع ناچاری متربی، باید دست به چاره‌اندیشی و کاربرد اصول تربیتی بزند.

### ۵- ۶- ۱. اصول مرتبط با ناچاری: «ایمن‌سازی و چاره‌اندیشی»

مربی باید در مورد اموری که متربی از سر یقین، ناچار به انجام فعلی شده، به ایمن‌سازی محیط و شرایط اقدام کند. در روایت آمده: «کاد الفقر ان یكون کفراً» (کلینی، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۳۰۷)؛ یعنی نزدیک است که فقر به کفر بیانجامد و از کسی که کافر است، صدور هر عملی امکان‌پذیر است. گرچه برطرف نمودن فقر متربی در دست مربی نیست، اما از مربی انتظار می‌رود تأثیر شرایط بر عملکرد متربی را بفهمد و محیط را در حد وسیع و امکان، ایمن سازد. در حالت دوم یعنی مواردی که متربی به گمان خود ناچار به انجام عمل بوده، درحالی‌که به‌واقع چنین نبوده است و راه‌های دیگری برای عمل وجود داشته، مربی باید بستر و زمینه‌ی چاره‌اندیشی و یافتن راه‌های بهتر را برای او فراهم نماید تا متربی بتواند فرضیات جدید را مورد آزمون و خطای ذهنی و عملی قرار داده و در نهایت چاره‌اندیشی کند. به عبارتی، مربی باید به متربی کمک نماید تا این ذهنیت اشتباه در بن‌بست دیدن خود را رها کرده و دست به انتخاب‌های از روی اختیار و توانمندی بزند. تذکر این نکته لازم است که اصل تسهیلی ایمن‌سازی، متفاوت است با اصل تسهیلی رفع موانع که در بخش اجبار آمد. در رفع موانع، عوامل انسانی که سبب تحمیل و اجبار شده، برطرف می‌گردد و در ایمن‌سازی، بسترهای محیطی که سبب شده خود فرد دست به اقدام از سر ناچاری بزند هموار می‌گردد.

### ۵- ۷. مبنای هفتم «عدم تکلیف به هنگام فکر و نیتی که آشکار نشده»

قرآن از مؤمنان خواسته که هرگز تجسس نکنند «يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا... لَا تَجَسَّسُوا» (الحجرات: ۱۲). این آیه می‌تواند هم مصداق افعال و هم مصداق افکار دیگران باشد. جریان تربیت، جریان تفتیش عقاید نیست، بلکه جریان ایجاد و اصلاح عقاید است. تا وقتی که متربی عقاید و احساسات ناصحیح خود را بروز نمی‌دهد، ادعان مربی به این عقاید و احساسات سبب تأیید و تقویت آن در دل و فکر متربی می‌شود. پنهان نمودن عقاید و احساسات سوء از جانب متربی می‌تواند نشان از نوعی خجالت و یا عذاب وجدان و یا شک در عقیده خود باشد، لذا مربی نمی‌تواند بر اساس شواهد و ظن خود، قبل از عمل مجازات نموده و متربی را مواخذه نماید.

### ۵-۷-۱. اصول مرتبط با فکر و نیت بد آشکار نشده: «تعویق تنبیه و تنبه»

نباید تا زمانی که عقیده‌ای باطل، سبب عمل باطل نشده، متربی را تنبیه نمود. همین که متربی بداند تا زمانی که فکر نادرست خود را بروز نداده و عمل متناسب با آن انجام نداده است، تنبیه نمی‌شود به گونه‌ای عمل نموده که رفتار خود را کنترل کند و به مصداق تأثیر ظاهر بر باطن (باقری، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۷۳) به احتمال زیاد عقیده و احساس او درست می‌گردد. حال اگر مربی به مصداق تأثیر باطن بر ظاهر (همان، ص ۷۴) به علائم وجود بینش نادرست در متربی پی ببرد، بایستی از اصل تسهیلی («تنبیه دادن») استفاده نماید. تنبیه دادن خود شامل چند مرحله است: ابتدا ایجاد آگاهی درست نسبت به عقیده نادرست؛ مرحله‌ی بعد، شامل روشن ساختن این نکته که عقاید نادرست همچون عمل نادرست می‌تواند چه آثار مخربی داشته و میوه وجود آدمی را از درون فاسد و آلوده نماید؛ در مرحله سوم نیز تنبیه دادن به معنای نهیب‌زدن نسبت به عواقب دنیوی و اخروی عقیده و احساس نادرست است که می‌تواند عامل بازدارنده خصوصاً برای مشتاقان به بهشت و ترسایان از جهنم باشد.

با کنار هم قرار دادن مبانی نظری روایت رفع و استنباطات تربیتی آن، شاکله راهنمایی برای مربیان و والدین در امر تربیت بازمی‌گردد که تبیین آن، نیازمند نگاهی وجودی به موضوع انسان و مسیر حرکت او است. در این نگاه، متربی قرار است مسیر الی الله را طی کند و به مقتضای هر حرکت و طی طریقی، موانع متعدد و راه‌های فرعی و خستگی و سکون در مسیر وجود دارد. یقیناً آنچه مهم است، حرکت و عدم توقف و رسیدن به مقصد می‌باشد؛ اما چند نکته نبایستی اولویت جریان تربیت باشد، به گونه‌ای که اصل حرکت و افق آن، از نگاه متربی و مربی مغفول بماند: ۱. کند شدن حرکت به دلیل وجود موانع متعدد در مسیر؛ ۲. رفتن متربی در مسیر فرعی و بازماندنش از مسیر اصلی در کوتاه‌مدت و ۳. دیرتر رسیدن وی به مقصد. به بیان واضح‌تر، همان گونه که پیامبر (ص) با حدیث رفع این نکته را یادآور می‌شوند که باید از یکسری امور گذر کرد و نباید در سلوک الی الله متوقف بر آن شد، در امر تربیت هم نباید ذره‌بین دست گرفت و نکته‌سنجی نمود.

البته همان گونه که در ابتدای مقاله آورده شد، این بدان معنا نخواهد بود که مربی برای موارد برشمرده، برنامه‌ای نداشته باشد یا نسبت به خطا و فراموشی و اکراه متربی، بی‌تفاوت عمل کند. یقیناً جریان تربیتی، به همه نکات توجه دارد اما توقف نه. و یقیناً مربی شایسته به همه‌ی جوانب اشراف دارد اما الزام نه. اشرافی که سبب می‌شود بازخورد مناسب نشان داده و گاه نادیده بگیرد، گاه آموزش دهد، گاه به تذکر اکتفا کند و گاه موانع را برطرف نماید؛ اما الزام تربیتی به معنای سخت‌گیری و وادار نمودن به تصحیح اشتباه توسط متربی و یا تأکید و اجبار بر جبران خطا، کاری عبث می‌نماید. جریانی که چه‌بسا متربی را از مسیر تربیت خارج نموده و برای همیشه رسیدن به مقصد را منتفی کند. آری مربی و جریان تربیت در بسیاری امور باید گذر کنند. گذر کردن به معنی بی‌تفاوت بودن نیست بلکه به معنی توقف نمودن است. اساساً تربیت

یعنی حرکت در مسیر اصلی که لازمه‌اش زمین خوردن‌های پیاپی است. مهم برخاستن و ادامه دادن است. در مسیر تربیت، مری خود یک متربی است. پس بایستی همان‌گونه که دوست دارد با او برخورد شود؛ با دیگران در این مسیر برخورد کند.

### • نتیجه‌گیری

در جمع‌بندی محتوای پژوهش حاضر نتایج زیر قابل استخراج است:

۱. در یک تعبیر، دین و دستورات دینی چیزی جز راه و روش تربیتی انسان‌ها نیست. در امور و احکام دینی، بسیاری از مسائل با نگاه سهل و ساده‌گیری وضع شده است. از همین جهت، در تربیت نیز می‌بایست بسیاری از امور تربیتی، در بستر فضای باز، تعریف شده تا جریان تربیت در حصار قرار نگیرد و اختیار و اشتباه متربی نادیده گرفته نشود.

۲. همان‌گونه که در بسیاری از احکام و دستورات اخلاقی اسلام، جانب آسان‌گیری و سهولت مراعات شده است، مری هم می‌تواند با بکارگیری این اصول چهارده‌گانه جریان تربیت را مطبوع‌تر و مطلوب‌تر نماید: ۱- نادیده انگاری؛ ۲- خطاپوشی؛ ۳- عذرپذیری؛ ۴- یادآوری؛ ۵- بخشش؛ ۶- رفع موانع؛ ۷- پیشگیری؛ ۸- آموزش بعد از خطا؛ ۹- توانمندسازی؛ ۱۰- تسهیل تکلیف؛ ۱۱- چاره‌اندیشی؛ ۱۲- ایمن‌سازی؛ ۱۳- تعویق تنبیه؛ ۱۴- تنبیه.

۳. باید توجه داشت به برخی اصول استنباطی در این مقاله، در منابع مرتبط به صورت گزاره‌های توصیفی و نه در قالب اصول تربیت، اشاره شده است، مانند: رفع موانع؛ پیشگیری؛ تنبیه. برخی اصول هم در قالب اصول تربیتی، مورد استناد متون تربیتی بوده است، مانند: نادیده انگاری؛ خطاپوشی؛ عذرپذیری؛ تسهیل تکلیف. محققان برخی اصول را نیز به صورت خاص و بر اساس حدیث رفع استنباط کرده‌اند که باید به عنوان رویکرد و نگاه نو در تربیت نگرسته شده و به عنوان الگو قرار گیرد، مانند: آموزش بعد از خطا؛ چاره‌اندیشی و ایمن‌سازی.

۴. باید اذعان داشت با تسهیل در تربیت، نتایج تربیتی بهتری به دست می‌آید و متربی آزادانه‌تر رشد نموده و ثمره چنین تربیتی به مصداق واقعی آن، تربیت خواهد بود نه اجبار در رشد. از همین روست که خداوند نیز، شیطان را برای سجده نمودن بر انسان اجبار نمود تا گوهر وجودی‌اش بروز نماید. تربیت هم یعنی بروز قابلیت‌های درونی انسان‌ها که تحقق این امر نیازمند رویکردها و اصول آزادانه در تربیت است. در ادامه این پژوهش پیشنهاد می‌شود، اصول تسهیلی در تربیت نیز شناسایی و معرفی گردد و در پی آن روش‌های مرتبط با هر اصل و مصادیق هر یک کاوش گردد.

## منابع

۱. قرآن کریم
  ۲. آمدی، علی بن محمد (۱۴۰۲). *الاحکام فی الاصول الاحکام*. قم: مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی.
  ۳. ابن حنبل، احمد بن محمد (۱۴۱۶ق). *مسند الامام احمد ابن حنبل*. بیروت: الرسالة.
  ۴. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. بیروت: دار صادر.
  ۵. ادیب حاج باقری، محسن؛ پرویزی، سرور و صلصالی، مهوش (۱۳۹۴). *روش‌های تحقیق کیفی*. تهران: نشر و تبلیغ بشری.
  ۶. اعرابی، غلامحسین و مسعودی، کاظم (۱۳۹۷). شواهد قرآنی حدیث رفع. *حدیث پژوهشی*. ۱۰(۲)، ۸۵-۱۱۶.
- DOI: [10.22052/0.20.4](https://doi.org/10.22052/0.20.4)
۷. باقری، خسرو (۱۳۹۵). *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*. تهران: انتشارات مدرسه.
  ۸. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۳۹۰). *الأدب المفرد*. تهران: شیخ الاسلام.
  ۹. جوان، عبدالله (۱۴۰۲). پژوهشی در اسناد و اعتبار حدیث رفع. *فقه و اصول*. ۵۵(۳). ۱۲۱-۱۰۴.
  ۱۰. حاجی ده‌آبادی، محمدعلی (۱۳۹۸). *درآمدی بر نظام تربیتی اسلام*. قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
  ۱۱. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۸۶ق). *تفصیل وسائل الشیعة الی التحصیل مسائل الشریعة*. تهران: کتابچی.
  ۱۲. حیدری، محمد (۱۳۹۳). مفهوم شناسی حکم شرعی مرفوع در حدیث رفع. *پژوهش‌های اصولی*. ۶(۲۲). ۱۴۶-۱۲۹.
  ۱۳. دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۵). *لغت‌نامه دهخدا*. تهران: دانشگاه تهران.
  ۱۴. رحمان ستایش، محمدکاظم (۱۳۹۶). تاریخ‌گذاری احادیث سندی «رفع عن امتی» در منابع عامه. *حدیث حوزه*. ۷(۱۵). ۷۳-۹۴.
  ۱۵. رحیمی‌مند، مریم و عباس پور، عباس (۱۳۹۴). تاثیر شیوه‌های جدید آموزش بر خلاقیت و پیشرفت تحصیلی دانشجویان. *ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی*. ۴(۴). ۱۱۹-۱۴۲.

۱۶. ژاندرن، ژولی سادا (۱۹۹۹). *تساهل در تاریخ اندیشه غرب*. ترجمه عباس باقری (۱۳۸۷). تهران: نشر نی.
۱۷. سالرزایی، امیرحمزه و ابراهیم آبادی، فرشته (۱۳۹۶). جایگاه حدیث رفع در پیشگیری از وسواس‌های فکری و رفتاری. *فقه پزشکی*. ۹ (۳۰ و ۳۱). ۷-۱۹.
۱۸. سلامتیان، مهدی (۱۴۰۲). بررسی فروع فقهی خلل در نماز با اتکا بر دیدگاه خاص امام خمینی (ره) در حدیث رفع. *آفاق علوم انسانی*. ش ۷۶. ۱۱۸-۱۰۵.
۱۹. صباغی ندوشن، مریم و حائری، محمدحسن (۱۳۹۶). *جستارهای فقهی و اصولی*. ۳ (۶). ۴۴-۲۵.
۲۰. عطارمنش، مسعود (۱۳۹۹). بازشناسی متعلق رفع در حدیث رفع از گذر معناشناسی روشمند. *پژوهش‌نامه اصول فقه اسلامی*. ۳ (۳). ۱۰۱-۷۴.
۲۱. غزالی، محمدبن محمد (۱۳۶۸). *المستفی من علم الاصول*. قم: افست.
۲۲. فراهیدی، خلیل بن أحمد (۱۴۱۰). *کتاب العین*. قم: نشر هجرت.
۲۳. قنبری، حسن (۱۴۰۰). بازکاوی حدیث رفع. *جستارهای فقهی اصولی*. ۷ (۲۵). ۶۸-۳۷.
۲۴. کرپیندورف، کلوس (۱۹۸۰). *تحلیل محتوا: مبانی روش‌شناسی*. ترجمه هوشنگ نائینی (۱۳۸۶). تهران: نشر نی.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۹۳). *اصول کافی*. تصحیح و تحقیق علی اکبر غفاری. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۶. گال، مردیت، بورگ، والتن و گال، جوی (۱۹۹۶). *روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روانشناسی*. ترجمه احمدرضا نصر و همکاران (۱۳۸۳). تهران: سمت.
۲۷. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحارالانوار الجامعة الدرر اخبار الأئمة الاطهار*. بیروت: موسسه الوفاء.
۲۸. محمدی مهر، غلامرضا (۱۳۸۷ش). *روش تحلیل محتوا (راهنمای عملی تحقیق)*. تهران: دانش نگار.
۲۹. مطهری، مرتضی (۱۳۸۷). *مجموعه آثار*. قم: صدرا.
۳۰. معروفی، یحیی و یوسفزاده، محمدرضا (۱۳۸۸). *تحلیل محتوا در علوم انسانی*. همدان: سپهر دانش.

۳۱. مومنی‌راد، اکبر (۱۳۹۲). تحلیل محتوای کیفی در آیین پژوهش: ماهیت، مراحل و اعتبار نتایج.

*فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی*. ۴ (۱۴). ۱۸۷-۱۲۲.

32. Jensen, Klaus Bruhn & Jankowski, Nicholas (2002). *A handbook of qualitative methodologies for mass communication research*. London: Routledge
33. Mayring, Philipp. (2014). **Qualitative content analysis: Theoretical foundation, basic procedures and software solution**. <http://nbn-resolving.de/urn:nbn:de:0168-ssoar-395173>.